

چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن

محمد حقی*

چکیده

جریان‌های تکفیری یکی از معضلات اصلی جهان اسلام محسوب شده و باعث ایجاد ناامنی، خشونت، نسل‌کشی و برادرکشی و... شده است. این جریان‌ها با برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر ظاهرگرایی، عقل‌ستیزی، وحدت‌گریزی، خشونت‌گرایی و بی‌توجهی به استکبار، چالش‌های زیادی علیه گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورده‌اند. نوشته حاضر در راستای پاسخگویی به این پرسش است که چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ چالش‌های فرهنگی شامل مواردی همچون: شبهه‌افکنی در اعتقادات، از میان بردن بسترهای گفتگو، تخریب آثار تمدن اسلامی، تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی و... می‌شود. جهت مقابله با این چالش‌ها، راهکارهایی از جمله تبیین صحیح گفتمان انقلاب اسلامی، آگاهی‌بخشی نسبت به جریان‌های تکفیری، دیپلماسی فرهنگی، تقریب مذاهب اسلامی و تلاش برای تشکیل نهضت علمی ارائه می‌گردد. در راستای پاسخ‌گویی به سؤال مقاله، «نظریه بحران» توماس اسپریگنز مورد استفاده قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

جریان‌های تکفیری، گفتمان انقلاب اسلامی، چالش‌های فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طرح مسئله

انقلاب اسلامی با تأکید بر اهداف و آموزه‌های بین‌المللی در راستای وحدت‌گرایی و هم‌گرایی اسلامی، استکبارستیزی و مبارزه با اسرائیل شکل گرفت و بعد از پیروزی، از نظر بین‌المللی و منطقه‌ای خواستار نوعی نظم نوین منطقه‌ای شد که در آن، کشورهای منطقه با نفی وابستگی به قدرت‌های بزرگ و استکباری، به صورت مستقل در مسائل منطقه‌ای تصمیم‌گیری کنند. این انقلاب، از زمان شکل‌گیری تاکنون همواره با چالش‌هایی در عرصه‌های مختلف خصوصاً بین‌المللی مواجه بوده است، چراکه بعد از پیروزی، برخی قدرت‌های جهانی و همچنین برخی قدرت‌های منطقه‌ای، در واکنش به رویکردهای انقلاب اسلامی، یکسری اقدامات محدودکننده‌ای علیه آن انجام دادند. ظهور گروه‌هایی نظیر القاعده و طالبان، به‌وجود آمدن گروه تکفیری داعش و گسترده شدن دامنه فعالیت‌های القاعده و داعش در سوریه و عراق، در این زمینه قابل تحلیل است و فی‌الجمله بررسی‌ها نشان‌دهنده نقش بعضی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در شکل‌گیری و یا تقویت جریان‌های تکفیری می‌باشد.

قدرت‌های استعماری با تقویت جریان‌های تکفیری، علاوه بر ایجاد اختلاف در امت اسلامی - به‌خصوص بین شیعه و سنی - به‌دنبال به‌نمایش گذاشتن چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از اسلام برای شهروندان خود بوده و می‌خواهند از این جریان‌ها به‌عنوان آلترناتیو گفتمان انقلاب اسلامی در سطح منطقه استفاده نمایند. همچنین با توجه به تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام، نقش برخی کشورهای منطقه در تقویت و پشتیبانی جریان‌های تکفیری و استفاده از آنها به‌عنوان وزنه‌ای علیه انقلاب اسلامی، قابل بررسی می‌باشد. بر این اساس، جریان‌های تکفیری چالش‌های زیادی علیه گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد نموده است که مقاله حاضر به‌دنبال بررسی چالش‌های فرهنگی این جریان‌ها، علیه گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن می‌باشد.

به اختصار اشاره می‌شود که منظور از جریان‌های تکفیری، جریان‌ها و گروه‌های اسلامی هستند که دیگر مسلمانان را متهم به ارتداد، کفر و خروج از دین می‌کنند. همچنین این جریان‌ها، اعتقاد به کافر بودن شیعه، به‌دلیل زیارت قبور ائمه اطهار (ع) و توسل به آن بزرگواران و ... دارند و کشتن شیعه را مجاز و حتی موجب پاداش می‌دانند. جریان‌های تکفیری شامل گروه‌هایی از جمله القاعده، داعش، جبهه النصره، احرار الشام، بوکوحرام و ... می‌شود.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله،^۱ «نظریه بحران» توماس اسپریگنز می‌باشد که براساس آن در راستای حل مشکلات، معضلات و بحران‌های اجتماعی، بایستی چهار مرحله سپری شود که این مراحل عبارتند از: کشف بحران؛ کشف علل و عوامل بروز بحران؛ ترسیم جامعه مطلوب و شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب. اسپریگنز در کتاب *فهم نظریه‌های سیاسی*، تلاش نموده شیوه جستار و چارچوبی برای فهم نظریه‌های سیاسی ارائه نماید. او کوشیده است تا مراحل مختلف رسیدن نظریه‌پرداز به نتیجه و نظریه‌اش، یعنی مراحلی که در محصول نهایی نظریه‌پردازان به‌جای مانده است، شناخته شود. اسپریگنز هدف اساسی نظریه‌پردازان را ارائه راه‌حلی برای «مشکلات» می‌داند که البته نقطه آغاز کار نظریه‌پرداز سیاسی، بحران‌های سیاسی که جامعه با آن درگیر است، می‌باشد. نظریه‌پرداز می‌کوشد که ابعاد و سرشت بحران‌های اجتماعی را دریابد و در عین حال به‌دنبال ارائه شیوه‌های حساب شده و متکی به تعمق در جوانب موضوعات مطرح شده است تا مردم به کمک آنها، و نه با روش یادگیری از شکست‌ها، با مسائل برخورد کنند. (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۳۰) لذا وی برای درک و شناخت اندیشه و نظریه سیاسی یک اندیشمند، چهار مرحله، ارائه می‌کند:

مرحله اول، مرحله مشاهده بحران و بی‌نظمی است. از دیدگاه اسپریگنز، تقریباً تمام نظریه‌پردازان سیاسی از مشاهده بی‌نظمی در زندگی سیاسی آغاز می‌کنند. گاهی نظریه‌پردازی پیدا می‌شوند که کاملاً از وضع موجود راضی هستند و صرفاً

۱. نگارنده قبلاً در این زمینه با همکاری دکتر مصطفی ملکوتیان، مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن» تدوین نموده که در آن با استفاده از نظریه بحران، چالش‌های سیاسی تحلیل شده است. این مقاله در شماره ۴۰ مجله علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی در پاییز ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

کنجکاوی فکری، آنها را برآن داشته که بنیان‌های نظم موجود را مورد بررسی قرار دهند که البته چنین نظریه‌پردازانی استثنا هستند. (همان: ۳۹) بر این اساس، «اندیشه‌ها در پاسخ به بحران‌ها است که تولید می‌شوند.» (همان: ۴۳) در مرحله دوم، نظریه‌پرداز به جستجوی علت اصلی بحران، مشکل و درد جامعه می‌پردازد. بعد از اینکه مشکل به خوبی شناسایی شد، نظریه‌پرداز نمی‌تواند آرام بگیرد، بلکه باید ریشه مشکل را بیابد. باید به مطالعه دقیق در علل نامنظمی و کارکرد نادرست اوضاع سیاسی که مشاهده کرده، پردازد. (همان: ۳۹) در مرحله سوم نظریه‌پرداز، جامعه‌ای را تصویر می‌کند که در آن مشکل یا معضل سیاسی به شیوه مؤثری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با آن برخورد شده است. او در این مرحله معمولاً تخیلات خود را به خدمت می‌گیرد و می‌کوشد تا تصویر یک نظام سیاسی را - که در زمان او وجود ندارد - ترسیم کند. (همان: ۴۰)

مرحله آخر قسمتی از نظریه‌های سیاسی است که گاهی به‌عنوان خصیصه بارز نظریه‌های سیاسی تلقی می‌شود و آن، مرحله ارائه راه‌حل است. پس از شناسایی شکست‌های نظام سیاسی، پس از تشخیص علل شکست‌ها، و پس از ترسیم تصویر نظام سیاسی احیا شده، نظریه‌پرداز به احتمال زیاد پیشنهادات عملی ارائه می‌کند. او طبعاً توصیه‌هایی برای اعمال سیاسی ارائه می‌دهد که به نظر او به بهترین وجه، مشکل مطرح شده را حل‌وفصل می‌کند. (همان)

بر این اساس نه به صورت تطبیقی، بلکه فی‌الجمله با استفاده از نظریه بحران و برخی مراحل آن، چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری، علیه گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن بررسی می‌گردد. در موضوع حاضر، ابتدا بایستی به شناسایی جریان‌های تکفیری پرداخت و در مرحله بعدی، بحران‌ها و چالش‌های متأثر از این جریان‌ها مورد توجه قرار گیرد. در مرحله سوم بایستی چرایی شکل‌گیری این جریان‌ها تحلیل گشته و در نهایت به ارائه راهکار پرداخته شود. از بین مراحل مطرح شده، بحث چرایی شکل‌گیری و شاخصه‌های این جریان‌ها مفروض و مفروغ عنه تلقی می‌شود. لذا تمرکز مقاله، بر چالش‌های فرهنگی ایجاد شده (بحران) و ارائه راهکار و راه‌حل مقابله با آنها خواهد بود.

چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی

در چارچوب تئوری بحران، یکی از مراحل اساسی حل بحران، شناسایی مشکل و معضل می‌باشد. در مسئله جریان‌های تکفیری، بایستی این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که این جریان‌ها برای موجودیت انقلاب اسلامی و گفتمان آن، چه مشکلات و معضلاتی را ایجاد نموده‌اند. در این رابطه گفتنی است: جریان‌های تکفیری، چالش‌های متعددی را علیه گفتمان انقلاب اسلامی به‌وجود آورده‌اند، چالش‌های موجود دارای ابعاد مختلفی هستند که در این مقاله، چالش‌های فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی، شامل مواردی همچون شبهه‌افکنی و تردید در اعتقادات، از میان بردن بسترهای گفتگوی منطقی، تخریب آثار تمدن اسلامی، تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی، ایجاد تقارن بین ایرانیت و تشیع در مقابل عربیت و تسنن و ... می‌شود که در ادامه به تبیین و توضیح آنها می‌پردازیم.

۱. تضعیف بسترهای گفتگوی منطقی

یکی از شرایط حرکت در جهت پویندگی و پیشرفت، حاکم بودن شرایط تفاهم و گفت‌وگوی منطقی در میان کشورها، دولت‌ها، مذاهب و جریان‌های فکری است؛ در فرآیند مفاهیم، همه امور، روندی استدلالی و همدلانه پیدا می‌کند و برای رسیدن به پیشرفت، هیچ‌گاه باب گفت‌وگو و استدلال منطقی بسته نمی‌شود، تا زمینه‌های پیشرفت در جوامع فراهم شود و افراد به سادگی متهم به غیرخودی بودن، ارتداد، شرک، کفر و مهدورالدم بودن، نشوند. با توجه به این نکته، جریان‌های تکفیری، از مجموعه آرا و اندیشه‌های اجتهادی خود، عنوان جداگانه‌ای برای شخصیت اسلامی خویش ساخته‌اند، به‌نحوی که آنها را از دیگر مسلمانان دور کرده است؛ آنها از تفکرات خود دژی ساخته‌اند تا از درون آن با هرکس که با رأی آنها مخالفت کند، به‌صورت خشونت‌آمیز برخورد کنند. طبیعی است که با این تصور، باب هرگونه گفت‌وگوی بسته می‌شود و زبان منطقی در کام می‌رود و زبان شمشیر، حرف نهایی را می‌زند. در برخی مواقع برخورد با اندیشه‌های مخالف و خارج از چارچوب اندیشه‌های حاکم و عدم تحمل آن، تا جایی پیش رفته که برخی از اهل فکر هم با هرگونه فکر مغایر با اندیشه خود شدیداً مخالفت کرده و حاضر به تحمل تفکر مخالف نبوده و برداشت خود از دین را عین دین تلقی می‌کنند. بر پایه این پندارها و

توهمات‌هایی که پشتوانه تمام‌عیار ایدئولوژیک یافته است، در جریان‌های تکفیری اصولاً هیچ جایگاهی برای تفاهم و گفتگو وجود ندارد. (سید باقری، حسنی و ملاشعیبی، ۱۳۹۳: ۳۶۳ - ۳۴۷)

جریان‌های تکفیری، با توجه به ابتلا به سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی، از صدور حکم ارتداد برای شیعیان و بلکه بسیاری از اهل سنت ابایی ندارند. اقدامات گروهک‌هایی نظیر القاعده، داعش و النصره در سال‌های اخیر نشان داد که این جریان‌ها در تکفیر سایر مسلمانان بین شیعه و سنی، زن و مرد یا کودک و بزرگ تفاوتی قائل نیستند و همه را از دم یک تیغ می‌گذرانند. این مسئله ناشی از سطح‌نگری در دین و کوتاه‌فکری در درک معارف و شریعت الهی می‌باشد. در این زمینه مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه جریان تکفیری و افراطی، روحیه تحجر، ارتجاع و جمود را تقویت می‌کنند، معتقدند: «اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند وانمود کنند که شریعت اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن و اینها سازگار نیست. این، حرف دشمن است؛ نخیر، کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیه تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند این حرف دشمن را به‌نجوی تبیین و اثبات کنند. اینها مسلمانند، اما در خدمت آنهایند. ما در اطراف خودمان، در برخی از این کشورهای اسلامی، از این قبیل داریم؛ اسمشان مسلمان است، اما یک‌ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نو از معارف اسلامی، انسان در آنها مشاهده نمی‌کند. بعضی‌ها فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند، اسم خودشان را هم مسلمان بگذارند». (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۲۱ / ۹ / ۱۳۹۱)

۲. شبهه‌افکنی و تردید در اعتقادات

یکی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در جهان اسلام، گسترش فرهنگ برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی، بیداری و خودآگاهی قرآن‌محور در میان جوانان و دانشمندان و استقبال آنان از این حرکت اصیل و مذهب نورانی، مطابق با سنت راستین و ناب محمدی ﷺ است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ایجاد توسعه تفکر ضدتحجر و خیزش بیدارگونه مسلمانان در جهان اسلام، جریان تکفیری - وهابی با ایجاد شبکه‌های فرهنگی و سایت‌های ضدشیعی، سعی در جلوگیری از سرایت این تفکر نمود، هرچند این شبکه هدف ظاهری خود را توسعه اخلاص در توحید و جنگ با شرک و بت‌پرستی قلمداد کرد، اما واقعیت این جریان، چه از جهت فکری و چه از منظر عملی، این هدف را تأیید نکرده و عملاً عرصه تاریخی و آینده پیش روی آن، جز تاریکی، ظلم و وحشت را نوید نمی‌دهد. این جریان با مخدوش ساختن چهره انقلاب اسلامی تلاش می‌کند مانع از نشر افکار آزادی‌خواهانه آن گردد، بنابراین به‌دنبال شبهه‌افکنی در اعتقادات شیعه به‌عنوان مبانی اعتقادی گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. بر این اساس کارگزاران جریان‌های سلفی تکفیری، در مورد تشیع، به نشر کتاب‌ها و مقاله‌های فراوان و مصاحبه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی می‌پردازند که هدف از آن ارائه تصویر غیرمنطقی و غیرقابل قبول از تشیع است. (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۹۲: ۵۳)

شبهه‌افکنی این جریان علیه شیعیان و ابراز تردید در اصول و مبانی مذهب تشیع از سوی پیروان این جریان، علاوه بر خصومت وهابیت و تکفیری‌ها با انقلاب اسلامی، به دلیل نگرانی جدی آنها نسبت به گسترش تشیع در جهان اسلام - به‌دلیل بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی، انسانی و ایمانی شیعیان - است. وهابیون و جریان‌های تکفیری یا واقعاً از سر ناآگاهی یا از سر لجبازی، با بسیاری از عقاید شیعه به مخالفت پرداخته، نسبت به آنها ابراز تردید و ایجاد شبهه کرده و از آن هم بدتر، عقاید شیعه را به تمسخر می‌گیرند. این جریان‌ها، مسئله توسل، شفاعت، نذر، تبرک، بنای قبور، استغاثه به ارواح اولیا و دیگر معتقدات شیعه را درحالی‌که درک نمی‌کنند، مورد انکار قرار می‌دهند. در واقع جریان‌های تکفیری با درک نادرست از مفهوم بدعت و شرک، سایر مسلمانان را مطرود دانسته و اعمال آنها را تخطئه می‌کنند، حال آنکه خود به اعمالی روی آورده‌اند که بدعت محسوب شده و تخلف از سیره قطعی رسول اکرم ﷺ و اولیای الهی است. (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۹۲: ۵۴) بر این اساس جریان‌های تکفیری، در تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی به‌دنبال تضعیف آموزه‌های این گفتمان و تردید در اعتقادات شیعی به‌عنوان مبانی گفتمان انقلاب اسلامی هستند.

۳. تخریب آثار تمدن اسلامی

از جمله اقداماتی که جریان‌های تکفیری انجام داده‌اند، تخریب آثار تمدن اسلامی است که در واقع نمادهای این تمدن

محسوب می‌شوند. نظیر: مساجد، تکایا، اماکن متبرکه، بقعه پیامبران الهی و اصحاب پیامبر اسلام. البته این مسئله از دیدگاه تئورسین‌های اسلام‌ستیز، رویه دیگری نیز دارد، مبنی بر اینکه این اماکن موجب جمع‌شدن مسلمانان به دور هم و تقویت و انسجام آنان می‌شوند، پس باید این مرکزیت‌های معنوی را از بین برد. با توجه به خاطرات منتشر شده برخی جاسوسان انگلیسی، این مسئله یکی از محوری‌ترین بخش‌های تئوری استعمارگران انگلیسی بوده است: «رفتن مردم به زیارت اماکن مقدس، مانع بزرگی است بر سر راه ما که باید آهسته آهسته برای از بین بردن این ویژگی ایشان تلاش کنیم. باید به آنها تلقین کنیم که زیارت این اماکن در واقع مانند سرزدن و عبادت مرده‌هاست و در اصل خلاف شرع است و با قانون اسلام سازگار نیست. باید تلاش کنیم تا این آثار از بین بروند.» (همفر، ۱۳۸۶: ۹۳) امروزه کار گروه‌های تکفیری جدید به جایی رسیده که هرگونه ظاهرسازی و محافظه‌کاری را به کنار نهاده و پس از تخریب بسیاری از اماکن مقدس مسلمانان و حتی بقعه پیامبران الهی و صحابه و مساجد و اماکنی که اهل‌تسنن نیز به آنها باور دارند، سودای ویران نمودن خانه خدا و کعبه مسلمین را در سر دارند. «ابوبکر البغدادی» سرکرده داعش در اظهاراتی بر لزوم ویران نمودن کعبه تأکید کرده و افزوده بود: اصول و عقاید اسلامی به ما اجازه پرستش سنگ را نمی‌دهد. حجاج برای لمس کردن دیوار کعبه و پرستش سنگ به مکه می‌روند و آنها برای عبادت خدا به آنجا نمی‌روند، پس باید کعبه را ویران کنیم. (خیریه، ۱۳۹۳: ۳ / ۴۷۵)

اقدام جریان‌های تکفیری در تخریب گسترده و مستمر میراث انسانی و تمدن اسلامی در مناطق مختلف جهان اسلام، رفتار جدیدی نیست. اگر امروز گروه‌های تروریستی و تکفیری در هر منطقه‌ای که مسلط می‌شوند، اقدام به تخریب نمادهای فرهنگی و مذهبی و بقاع متبرکه آن می‌کنند، در سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۲۵ نیز آل‌سعود، مقبره اهل‌بیت پیامبر خاتم‌الصلوات و صحابه ایشان را تخریب کرده و مساجد و منازل ائمه و بقاع آنها و مزارهای مقدس را ویران کردند. اقداماتی که آل‌سعود و وهابیت در تخریب تمدن اسلامی و تاریخ انسانی در شبه جزیره عربستان آغاز کرد، به دست داعش در سایر مناطق ادامه یافت. آنها این رویکرد را در سرزمین شام و بین‌النهرین آغاز کرده و اقدام به تخریب و از بین بردن آثار باستانی نظیر شهر نمرود و حضر و موزه موصل در عراق و شهر تاریخی تدمر و معبد بل و مقبره‌های عمودی مزارهای تاریخی کرده‌اند. همین اتفاق در سایر استان‌های سوریه از قبیل حلب، ادلب، درعا و حماه نیز رخ داده و آثار باستانی و تاریخی این شهرها غارت و تخریب شده‌اند. (به نقل از شیعه نیوز، ۲۲ دی ماه ۱۳۹۴)^۱ این در حالی است که در آموزه‌های گفتمان انقلاب اسلامی، جایی برای چنین تفکرات و اقداماتی وجود ندارد، بلکه برعکس با توجه به ابتناء گفتمان انقلاب اسلامی بر اندیشه‌های ناب اسلامی و شیعی، میراث تمدنی اسلام و نمادهای فرهنگی و مذهبی و بقاع متبرکه از ارزش والایی در این گفتمان برخوردار است.

۴. تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی

علت‌یابی این مسئله را باید در تأثیر انقلاب اسلامی بر معادلات کلان منطقه‌ای و نظام بین‌الملل طی دهه‌های اخیر جستجو کرد. مروری بر این تحولات، بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر در معادله قدرت در مجموعه امنیتی خاورمیانه، تغییر معادلات ایدئولوژیکی بوده است. دلیل مؤید این مدعا تغییر مناسبات امنیتی و الگوهای دوستی و دشمنی به موازات تغییر یا جابه‌جایی ایدئولوژی‌های حاکم همچون پان‌عربیسم، مارکسیسم و اسلام‌گرایی سیاسی است. در این میان، پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در آخرین تحول ایدئولوژیکی به‌ویژه در منطقه پیرامونی به‌شمار آمد، زیرا پیرو آن، ماهیت نزاع‌های اصلی در منطقه خاورمیانه تحت تأثیر اسلام‌گرایی قرار گرفت. درعین حال، چون اسلام‌گرایی دارای گرایش‌های مختلف و گاه متعارض یا یکدیگر است، این مسئله اهمیت خود را بیش از پیش در این تحولات نشان داد. تقابل جریان‌های تکفیری - مانند القاعده و داعش - به‌عنوان گروه افراطی، تبعات ایدئولوژیکی بر انقلاب اسلامی داشته است:

الف) در بعد منطقه‌ای، به‌نظر می‌رسد جریان‌های تکفیری در برخی عرصه‌ها، انقلاب اسلامی را با تهدید مواجه می‌سازد که می‌توان آن را «منزلت ایدئولوژیک» نامید. به این معنا که مهم‌ترین مزیت انقلاب اسلامی در منطقه، مقام و منزلت ایدئولوژیک آن در بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان است. این جایگاه مثبت، از جنبه معنوی، به امت اسلامی و وحدت سیاسی می‌بخشد. به‌طور حتم، تداوم منزلت ایدئولوژیک و ارتقای آن، منوط به تضعیف شکاف‌های «سنی - شیعه» و

۱. ر.ک: <http://www.shia-news.com/fa/news/109736>

«عرب - عجم» در برابر تضاد «اسلام - غرب» و «اسلام - صهیونیسم» است. تهدید جریان‌های تکفیری به چند دلیل عمده، این منزلت را مخدوش و معادله فوق را معکوس می‌کند: اولاً با دستاویزهای مذهبی، همزیستی میان شیعه و سنی در منطقه را به شدت به مخاطره می‌اندازد. ثانیاً شکاف «سنی - شیعه» را در برابر شکاف «اسلام و غرب» تقویت می‌کند. از این منظر، رویکرد تکفیری در تلافی با جهت‌گیری قدرت‌های غربی - صهیونیسم قرار می‌گیرد که به‌جای خط‌مشی «وحدت‌گرایانه»، اختلاف و واگرایی را توسعه می‌دهد. که به‌منزله تضعیف شأن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در بعد منطقه‌ای است. (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۴۲)

ب) یکی دیگر از وجوه تمایز انقلاب اسلامی با سایر جنبش‌های سیاسی معاصر، توانایی ایدئولوژیک آن است. یعنی علاوه بر اینکه پیام و ایدئولوژی سعادت‌بخشی را برای نهضت‌های مردمی به ارمغان آورد، راهبردهای قدرت‌های غربی در منطقه را به چالش سرنوشت‌سازی کشاند. انقلاب اسلامی با چنین ظرفیتی، مبنای تحولات جدید اجتماعی - سیاسی در قالب ضدیت با استعمار غربی شد؛ به نحوی که امروزه این انقلاب - حتی در نظر غیرمسلمانان - به نماد قدرتمند و افتخارآمیزی برای مبارزه با امپریالیسم و استکبار جهانی تبدیل شده است. این توان الهام‌بخش انقلاب اسلامی در حوزه جهان اسلام، چشم‌انداز جدیدی ایجاد نمود، از جمله موجب شد که جنبش‌های آزادی‌بخش در این حوزه، چه به‌لحاظ ماهیت و راهبرد و چه به‌لحاظ تاکتیک و عناوین و شعارها، تحت‌تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی قرار گیرند. نمونه آن تفاوت ماهوی جهت‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش فلسطینی در قیاس با قبل از انقلاب اسلامی است. همچنین، جهان اسلام به تأثیر از انقلاب اسلامی، از رخوت و انفعال چندین قرنی خارج شده و با ظهور بیداری اسلامی، ظرفیت‌های جدیدی نمودار گشت. جریان‌های تکفیری، با تکیه بر شکاف مذهبی و فرهنگی، سعی می‌کند تا ضمن کاستن از توان ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، در پروسه نفوذ منطقه‌ای و احیاناً جهانی آن اخلال نماید. ظهور عینی این مسئله، در تحولات سال‌های اخیر در عراق و سوریه و اقدامات داعش قابل تحلیل می‌باشد. (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

۵. ایجاد تقارن بین «ایرانیّت و تشیع» در مقابل «عربیت و تسنن»

یکی از بنجرهای مورد مناقشه در محاسبات جریان‌های تکفیری، مسئله «عربیت» و تمایز آن با «فرهنگ عجم» است و در برخی از جریان‌های افراطی، آثار و تعلقات قومی عربی، بسیار برجسته است. برخی از نویسندگان عرب برای ایجاد ارتباط بین عربیت و اسلام، حدیث مشکوکی را مستمسک قرار داده‌اند بدین مضمون: هرگاه عرب خوار شد، اسلام خوار می‌شود. همچنین بعضی‌ها در کتابی تحت عنوان محمد ﷺ؛ رسول عرب، تصریح کرده‌اند که خدا قادر بود اسلام را بر ملل دیگر نازل کند، ولی اعراب را برگزید چون اعراب شایسته‌ترین قوم بودند. این تلقی از عربیت و اسلام، با توجه به سلطه دیرپای پان‌عربیسیم در برخی کشورهای عربی، خودبه‌خود مخالف با انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک انقلاب غیرعربی و نیز شیعی - به‌ویژه در میان اعراب سنی - را توجیه می‌نماید. جریان تکفیری در بستر فرهنگی مذکور، با ایجاد تقارن بین قومیت ایرانی و مذهب شیعه از یک سو و تأکید بر تمایز و اختلاف آن با قومیت عربی و مذهب اهل سنت از سوی دیگر، موجبات افتراق هرچه بیشتر آنها را تدارک نموده و به اختلافات تاریخی بین اعراب و ایرانی‌ها دامن می‌زند. در همین راستا، برخی جریان‌ات سلفی با تفکیک ضمنی «اسلام عرب» و «غیرعرب» سعی می‌کنند از ظرفیت‌های قومی و عربی در مناسبات خود علیه انقلاب اسلامی بهره ببرند، چراکه از دیدگاه این جریان‌ها، انقلاب اسلامی یک انقلاب غیرعربی و شیعی است، همچنان‌که همین طیف، در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جانب عراق را گرفتند با این توجیه که دو هویت عربی و فارسی در حال جنگ هستند. این موضوع، آنچنان در فرهنگ سیاسی برخی سلفی‌های افراطی دارای اهمیت و اعتبار سیاسی است که امروزه، هم «عربیت» و هم «اسلام‌گرایی سلفی» در برخی کشورهای عربی، حامل «نوعی ضدیت با ایران و شیعه» است. هرچند میزان آن در کشورهای مختلف متفاوت است، اما جمع هردو را می‌توان به وجه ملموس در میان جریان‌های تکفیری ملاحظه کرد. (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

راهکارهای فرهنگی مقابله با جریان‌های تکفیری

در چارچوب نظریه بحران، وقتی بحران شناسایی گردید، مرحله اساسی بعدی، ارائه راه‌حل و راهکار حل بحران می‌باشد.

بر این اساس با توجه به بحران‌ها و چالش‌های مختلفی که از سوی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد گردیده، جهت مقابله با این چالش‌ها، راهکارها و راه‌حل‌هایی وجود دارد. به نظر می‌رسد به تناسب چالش‌های موجود، راهکارهای مختلفی قابل ارائه می‌باشد که در ادامه به توضیح و تبیین آنها می‌پردازیم:

۱. تبیین صحیح گفتمان عقلانی انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین راهکارها در عرصه فرهنگی جهت مقابله با چالش‌های جریان‌های تکفیری، تبیین صحیح گفتمان انقلاب اسلامی است. برای تبیین گفتمان انقلاب اسلامی باید عناصر اصلی آن را شناخت تا بتوان تهدیدات آن را نیز شناسایی کرده و در نهایت راه‌حل‌های متناسب با آن را ارائه نمود. انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر مفاهیم اسلامی و تأکید بر حاکمیت اسلامی و زدودن مفاهیم گفتمان‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم، هویت خود را به‌عنوان الگویی مطابق با معیار اسلام قرار داد و منجر به تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای مستولی شده بر عرصه سیاسی شد. گفتمان انقلاب اسلامی بر محورهایی از جمله حاکمیت الهی، سیاست دینی و نفی سکولاریسم، عدالت‌خواهی، معنویت‌گرایی، مردم‌سالاری دینی، وحدت اسلامی، مبارزه با استبداد، استکبار، استعمار و ... متمرکز شده است و به‌نحو بارزی این ویژگی‌ها در مواضع جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی، جریان رو به رشدی داشته است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۳)

گفتمان انقلاب اسلامی برآن است تا سبک خاصی از زندگی را براساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی با چراغ فطرت عقلانیت الهی تبیین و در جامعه بشری اجرایی کند. این گفتمان بر آموزه‌های وحیانی قرآن استوار یافته است؛ و چون مقید به عمل براساس حوزه اسلام و سبک زندگی آن است، به‌طور طبیعی به قرآن که کتاب اسلام است، مراجعه می‌کند. در صورت هرگونه اختلاف و شک و تردید در فلسفه گفتمانی و یا سبک گفتمانی، با مراجعه به قرآن، تفسیر درستی ارائه می‌گردد. از طرفی خداوند عقل را چراغ راه بشریت دانسته است. براساس آموزه‌های قرآنی، راه نجات انسان، شنیدن حق از پیامبر ﷺ و نمایندگان و پیام‌رسانان آنان و بهره‌گیری از عقلانیت است. از این‌رو بر استفاده از عقل تأکید دارد. بنابراین قرآن، سنت و عقل از عناصر و مؤلفه‌های اساسی گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشند که باید همواره بر این عناصر تأکید گشته و در عمل نیز آنها به‌عنوان معیار تلقی گردند.^۱ در راستای مقابله با چالش‌های جریان‌های تکفیری، بایستی گفتمان انقلاب اسلامی با مؤلفه‌های مذکور به خوبی تبیین گشته و مردم کشورهای مختلف دنیا با این گفتمان آشنا شوند، متولیان امر نیز همواره علاوه بر تبیین درست این گفتمان، در عمل نیز بر آن تأکید داشته و از طریق ابزارهای مختلف سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و نیز راهکارهای سیاسی، به‌دنبال ترویج گفتمان انقلاب اسلامی باشند.

۲. آگاهی‌بخشی نسبت به جریان‌های تکفیری و مخاطرات آن

یکی از مشکلاتی که همواره مانعی اساسی برای سیاست‌گذاری‌های کلان و مقابله با جریان‌های تکفیری می‌شود، فقر اطلاعاتی در این حوزه است. اگرچه در سالهای اخیر با توجه به این جریان‌ها و حوادث و تحولات مربوط به آن‌ها، همایش‌ها، نشست‌های علمی، برنامه‌های صوتی و تصویری، کتب و مقالات متعددی در زمینه این جریان‌ها تهیه شده است ولیکن متأسفانه اطلاعات موجود کافی نبوده و هماهنگ با شرایط و وضعیت موجود در جهان اسلام نیست. معمولاً اطلاعات موجود در حوزه سلفیه و جریان‌های تکفیری، کهنه، ناکارآمد و ناهماهنگ با واقعیت‌های موجود است. به‌همین سبب هنگامی که از جریان‌های تکفیری سخن گفته می‌شود، به‌صورت کلیشه‌ای، بیان تاریخچه‌ای از پیدایش این جریان تا به امروز آغاز می‌شود و هنگامی که به شرایط امروز می‌رسد، اطلاعات پایه‌ای و مبنایی خاصی وجود ندارد و صرفاً به اطلاعات آماری و توصیفی از جریان‌های سلفی تکفیری اکتفا می‌شود. به‌عنوان مثال تنها در کشور سوریه بیش از ۱۳۸ جریان سلفی معارض و تکفیری شناسایی شده‌اند، درحالی‌که بهترین اطلاعات ما در این حوزه، آنان را در قالب جبهه‌النصره، داعش و جیش‌الحر طبقه‌بندی می‌کند. به‌همین سبب چه از نظر مبانی و چه روش‌های عملی، تفاوت‌های بنیادینی میان آنها دیده می‌شود، که هرگونه تعریف راهبرد برای مقابله، نیازمند شناخت دقیقی از این جریان‌هاست. از طرف دیگر تا هنگامی که به‌صورت دقیق

۱. ر.ک: ریشه‌های قرآنی گفتمان انقلاب اسلامی، خلیل منصوری، کیهان، ۱۴ بهمن ۱۳۹۴.

عده و عده جریان‌های تکفیری در جهان اسلام مشخص نشود و ظرفیتهای آنان به صورت کامل فهم نگردد، مقابله با این جریان‌ها، مبارزه با چشم بسته است و نتیجه‌ای نخواهد داشت. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۲۲۸ - ۲۲۶)

بنابراین یکی از مهم‌ترین و اولین راهکارهای فرهنگی که در راستای مقابله با جریان‌های تکفیری قابل تصور است، شناسایی و معرفی کامل این جریان‌ها می‌باشد، چراکه جریان‌های تکفیری به نام اسلام و با عملکرد منفی و خشن خود، به اسلام و مسلمانان ضربه زده و آبروی اسلام را می‌برند، بر این اساس در مرحله اول بایستی این جریان‌ها معرفی و شناسایی شده و انگیزه‌های اینها بررسی و ریشه‌های افکار آنها شناسایی شود تا بتوان با آنها مقابله نمود. در این رابطه یکی از راه‌ها، تبیین رابطه تکفیری‌ها و وهابیت است؛ چراکه یقیناً گروه‌های تکفیری ثمره وهابیت است و اگر این رابطه به خوبی به مردم نشان داده شود، یکی از بهترین پاسخ‌ها به این فرقه و گروه‌های سلفی و تکفیری خواهد بود، چون هر چیزی را از محصولش باید ارزیابی کرد و محصول وهابیت این‌همه جنایات تکفیری‌ها است که هرگز در تاریخ بشر سابقه نداشته است. امروزه برای توده‌های مختلف مردم در جوامع مختلف اسلامی و غیراسلامی مسجل شده است که میوه مکتب وهابیت، گروه‌ها و جریان‌های تروریستی تکفیری است. (مکارم شیرازی، ۰۸ / ۱۱ / ۱۳۹۴)

همچنین آگاهی‌بخشی نسبت به آسیب‌ها و خطرات جریان‌های تکفیری، یکی از راهکارها برای مقابله با این جریان‌ها محسوب می‌گردد که می‌تواند به صورت هدفمند به نتیجه مطلوبی برسد. اگر مردم از ماهیت جریان‌های تکفیری آگاه شوند - که از یک سو تکفیر در ذات آنها نهفته است و فقط خودشان را حق می‌دانند و همه را کافر می‌شمارند و از طرفی هم ابزاری برای قدرت‌های استکباری هستند و عملکرد خشن و جنایت‌های هولناک آنها در کشتن زنان و کودکان بی‌گناه نماد و معرفی‌کننده چهره اسلام است - به طور قطع نسبت به آنها متنفر شده و به آنها هرگز تمایل نشان نمی‌دهند. در این میان مهم‌ترین وظیفه بر عهده اندیشمندان و نخبگان است که باید با آگاهی‌بخشی و تئور افکار عمومی، خطرات و تهدیدهایی که از سوی این جریان‌های تکفیری - انحرافی، مسلمانان را تهدید می‌کند، جامعه را آگاه سازند و با نشان دادن جمود فکری آنها و سست بودن پایه اعتقادات جریان تکفیری، نقش بزرگی در وحدت و هم‌زیستی آرام و مسالمت‌آمیز مسلمانان ایفا کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۶ / ۲ / ۱۳۹۲)

۳. تبیین و ترویج اسلام رحمت و ناپ

جریان‌های تکفیری با استفاده از ابزارهای مختلف، خصوصاً فناوری‌های نوین رسانه‌ای، اندیشه‌های انحرافی خود را به نام اسلام منتشر کرده و چهره‌های انحرافی و خشن از اسلام به نمایش می‌گذارند. در چنین شرایطی یکی از راهکارهای مهم پیش‌روی جهان اسلام و نخبگان دینی و سیاسی، جهت مقابله با این جریان‌های تکفیری، ترویج اندیشه‌ای مترقی و حقیقی از اسلام ناب و فاصله گرفتن از اندیشه‌های باطل و انحرافی، البته با استفاده بهینه از نقش رسانه برای آگاهی‌بخشی است. در این برهه حساس، تبیین آموزه‌های مکتب جهان‌بخش اسلام، متناسب با مقتضیات زمانه جوامع اسلامی، یک نیاز راهبردی در راستای مقابله با جریان‌های تکفیری است. از این رو از نخبگان و اندیشمندان جهان اسلام بیش از همیشه انتظار می‌رود که به صورت علمی هویت اسلامی را تبیین و به همه ادیان و جوامع بشری عرضه نمایند. بر این اساس شناخت و درک صحیح از اسلام و معرفت مبانی آن، از اصول بنیادین در راستای مقابله با جریان‌های تکفیری است و با ترویج تعالیم صحیح دینی و معارف اسلامی واقعی، می‌توان مقابل این جریان‌ها ایستاد. (امین‌زاده: ۱۳۹۳)^۱

باید با شناساندن چهره صحیح از اسلام که دین رأفت و رحمت و محبت است، این تلقی را که اسلام مساوی با آدمکشی است، از اذهان جهانیان پاک شود ... علمای اسلامی باید به جهان بفهمانند که دین تکفیری‌ها و داعش، دین اسلام نیست و آنها با اسلام بیگانه‌اند. بی‌شک عالمان دینی باید با راهبرد مقابله علمی با اندیشه تکفیر مبارزه نمایند و با صدای واحد از این گروه‌های تکفیری برائت جویند و دامان اسلام را از لوٹ افکار تکفیری بشویند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴/۱۱/۰۸) آیت‌الله سبحانی در زمینه مقابله با جریان‌های تکفیری، «ترویج فرهنگ واقعی اسلام» را یکی از پیشنهادات خود اعلام کرده و معتقدند: فرهنگ اسلام، انسان‌ها را به برادری و هم‌زیستی بین مسلمانان و نه فقط بین مسلمانان بلکه

۱. ر.ک: جمشید امین‌زاده، جهان اسلام، ضرورت مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، ۱۲ آذر ۱۳۹۳: <http://news.irib.ir/articles/item/59023>

بین همه جوامع دعوت می‌کند. مطابق این فرهنگ، خون مسلمانان حرمت دارد؛ اما فتنه تکفیر و جریان‌های تکفیری با جنایات خود، چهره اسلام را خدشه‌دار می‌کنند، گویی که اسلام یک دین خون‌آشام است. (سبحانی: ۰۴ / ۰۹ / ۱۳۹۳)

۴. دیپلماسی فرهنگی و تقریب مذاهب اسلامی

منظور از دیپلماسی فرهنگی، مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات، به‌منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها می‌باشد. دیپلماسی فرهنگی به یک کشور امکان می‌دهد تا فرهنگ، جامعه و مردم خود را به دیگران معرفی کند و همچنین از طریق فزونی بخشیدن به ارتباطات خصوصی بین مردم و کشورهای گوناگون، کشورها را قادر می‌سازد که ایدئال‌های سیاسی و سیاست‌هایشان را در انظار و افکار عمومی جذاب سازند. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۷ - ۱۹)

بر این اساس پیرامون نقش دیپلماسی فرهنگی در راستای مقابله با جریان‌های تکفیری باید گفت: کشورهای اسلامی از طریق دیپلماسی فرهنگی و ارتباطات نزدیک فرهنگی با یکدیگر، می‌توانند با جریان‌های تکفیری مقابله کنند. ارتباطات گسترده میان گروه‌های اسلامی در قالب نشست‌ها، کنفرانس‌های عمومی و تخصصی و همچنین نشست کشورهای اسلامی، تا حدود زیادی می‌تواند رشد جریان‌های تکفیری در جهان اسلام و منطقه را کاهش دهد. این نشست‌ها و کنفرانس‌ها در سطح گروه‌ها و کشورهای اسلامی، از دو جنبه می‌تواند مثمرتر باشد: در ابتدا، گردهمایی گروه‌ها و کشورهای اسلامی می‌تواند منجر به درک خطر جریان‌های تکفیری و همچنین عمق تأثیر این جریان‌ها بر ثبات منطقه‌ای و جهانی شود. در مرحله بعد با گسترش ارتباطات، دیدگاه و رویکردهای این گروه‌ها و کشورهای اسلامی در قبال خطر جریان‌های تکفیری به هم نزدیک خواهد شد. (ستوده و خزائی، ۱۳۹۳: ۲۴ - ۵) برای محقق کردن این هدف باید چنین نشست‌ها و کنفرانس‌هایی تداوم داشته و به دور از گرایش‌های شخصی و خواهش‌های نفسانی تشکیل شود تا حلقه ارتباط بین علمای اسلام باشد، بعد از گردهمایی اندیشمندان در این کنفرانس‌ها، بایستی خطیر بودن مسائل جریان‌های تکفیری، به شهروندان تبیین و تفهیم شده، مطالب ضد تکفیری از طریق رسانه‌های گروهی کشورها به اطلاع نسل جوان و اقشار مختلف مردم برسد و با مطالب گمراه‌کننده تکفیری‌ها مقابله شود. (سبحانی، ۰۴ / ۰۹ / ۱۳۹۳)

همچنین برای برخورد با جریان‌های تکفیری، «تقریب مذاهب» یکی از کاراترین روش‌ها برای رفع سوءتفاهمات و سوءبرداشت‌هاست. فراهم‌سازی امکان گفتگو و نزدیک‌سازی آرا و نظرات در جهت حل اختلاف در آرا و نظرات فقهی، کلامی و ... و نیز سوءبرداشت‌ها از راهکارهای مهم در عرصه تقریب مذاهب محسوب می‌شود. تقریب مذاهب، به مذاهب اسلامی کمک می‌کند تا پیام خود را انتشار دهند و به هم‌اندیشی با یکدیگر برای انتقال اندیشه و تبادل نظر در مسائل اجتماعی، فقهی، عقیدتی و سیاسی مبادرت نمایند. تقریب مذاهب، به‌عنوان وسیله‌ای ارتباطی برای شکل‌گیری و تحول فکری و گستره‌ای برای رشد و پختگی و منطقی شدن جهان اسلام، قلمداد می‌گردد. (دهشیری، ۱۳۹۰: ۲۸۵ - ۲۷۸)

مقام معظم رهبری در راستای تقریب مذاهب اسلامی، با هدف مقابله با جریان‌های تکفیری، راهکارهایی را مبنی بر «تفاهم» و «گفتگو» پیشنهاد می‌دهند و همواره توصیه و تأکید به دوری و پرهیز از اختلاف‌افکنی‌های فکری - عقیدتی می‌کنند و یادآور می‌شوند که نموده‌های اختلاف‌افکنی - از جمله توهین و تخریب سایر مذاهب - باید متوقف شود و نیز باید به‌نوعی از تفاهم بین مذاهب اسلامی از جمله شیعه و اهل سنت رسید: «علمای شیعه و سنی باهم جلسه بگذارند، تفاهم کنند، باهم حرف بزنند. ما کارهای مشترکی داریم ... یک امور مشترکی وجود دارد؛ یک دردهای مشترکی هست که درمانهای مشترکی دارد. عالم شیعه در بین مردم خود، عالم سنی در بین مردم خود نفوذ دارند؛ از این نفوذ استفاده کنند، این مشکلات مشترک را برطرف کنند» (بیانات در مورخه ۲۰ / ۷ / ۱۳۹۰) رهبر انقلاب در ارتباط با مقابله با ترفند دشمنان اسلام، راهکار خاموش کردن آتش نزاع‌های مذهبی را «بالا بردن آگاهی و بینش» اسلامی و به‌کارگیری عقل و خرد دانسته و در این زمینه پیشنهاد می‌دهند که این مهم از طریق نویسندگان، روشنفکران، نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی صورت گیرد. (بیانات در مورخه ۱۶ / ۲ / ۱۳۹۲)

۵. تقویت دیپلماسی رسانه‌ای در راستای آگاهی‌بخشی معرفتی

رشد سریع تکنولوژی‌های ارتباطی، اعم از انواع تلویزیون‌های ماهواره‌ای و کابلی، فیبرنوری، بی‌سیم و ناتوانی دستگاه‌های رسمی دیپلماسی در رقابت با رسانه‌ها، دولت‌ها را با این حقیقت روبه‌رو کرده که شکل نوینی از دیپلماسی با استفاده از

رسانه‌های ارتباط جمعی وارد عرصه معادلات بین‌المللی شده است و رسانه‌ها پدیده‌ای هستند که به‌خوبی می‌توان از آنها به‌عنوان عنصری استراتژیک و تعیین‌کننده یاد کرد. دیپلماسی رسانه‌ای «عبارت است از استفاده از رسانه‌ها برای رسیدن به اهداف دیپلماتیک، تأمین منافع، تکمیل و ارتقای سیاست خارجی». (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ص ۲۸)

جریان‌های تکفیری، امروز با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین رسانه‌ای، اسلام را به خشن‌ترین و انزجارآورترین وجه ممکن برای افکار عمومی جهان معرفی می‌کنند. این جریان‌ها در شرایط معاصر که پیشرفت تکنولوژی بشر در اوج قرار گرفته است، تلاش می‌کنند با ابزار و فناوریهای جدید در حوزه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رسانه‌ای الکترونیکی، جامعه‌ای بدوی به اسم دین تأسیس کنند. در چنین شرایطی یکی از راهکارهای مهم پیش‌روی جهان اسلام، استفاده بهینه از نقش رسانه برای آگاهی‌بخشی است. در این راستا نقش یک رسانه حتی می‌تواند مؤثرتر و قوی‌تر از اقدام نظامی برای سرکوب این جریان‌ها باشد. بی‌تردید شناخت و بصیرت درباره ماهیت اصلی تکفیری‌ها و وحدت امت اسلامی، دو راهبرد اساسی در این مقوله محسوب می‌شود و رسانه می‌تواند رکن اصلی بازشناسی این زمینه باشد. (امین‌زاده، ۱۳۹۳)^۱

با توجه به اهمیت دیپلماسی رسانه‌ای به‌منظور ارائه چهره واقعی این جریان‌ات تکفیری و اندیشه‌های انحرافی، تقویت شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای - اینترنتی چندزبانه و زبان تخصصی فرهنگی و مذهبی برای کشورهای منطقه و جهان، تولید آثار فرهنگی و هنری، تقویت رسانه‌های برون مرزی موجود و آسیب‌شناسی موانع فراروی دیپلماسی رسانه‌ای و ترسیم برنامه جامع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای مقابله با اندیشه‌های انحرافی تکفیری، باید در دستور کار قرار گیرد. (عموری و جاودانی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۷۳ - ۳۷۱)

۶. تلاش برای تشکیل نهضت علمی جهت مقابله با جریان‌های تکفیری

یکی از نقاط ضعف در مقابله با جریان‌های تکفیری، رخوت مراکز پژوهشی و علمی است که به‌جای جریان‌شناسی و رصد روزمره جدیدترین وقایع و راهبردهای دشمنان وحدت اسلامی، به ترجمه چند مقاله اکتفا کرده‌اند که همین مسئله سبب دوری از فضا و میدان اصلی مبارزه با این جریان‌ات شده است. اتفاقات امروز حاصل برنامه‌ریزی‌های دیروز بازیگران آن است و شناخت به‌موقع خطر، واکنش مناسب و به‌موقع را ممکن می‌سازد. این کار نیازمند تأسیس مرکزی است که جهان اسلام را به‌طور دائمی رصد کند. هرچه شناخت ما از دوستان و دشمنان وحدت اسلامی بیشتر شود، قدرت ما در خلق ابتکارات تقریبی بیشتر خواهد شد. دشمنان اسلام برای اغراض خود، تمامی اختلافات درونی میان مسلمانان - از مذاهب مختلف - را رصد می‌کنند و آنها را بایگانی می‌کنند. سپس با برجسته کردن همین نقاط اختلاف، نقاط ضعف جهان اسلام را نشانه می‌روند. به‌همین دلیل نیاز به پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق، بیش از پیش حس می‌شود که این امر جز در مراکز تحقیقاتی و علمی میسر نخواهد شد و راهکار مقابله با گروه تکفیری داعش، وحدت مردم علیه آنان است. (زین العبادی، ۱۳۹۳)^۲

بنابراین ازجمله مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی مقابله با جریان‌های تکفیری، نقد عالمانه و دقیق اندیشه‌های اعتقادی این جریان‌ها می‌باشد. حوزه‌های علمیه به‌سبب نقش بنیادین خود در دفاع از معارف دینی و مقابله با جریان‌های انحرافی، رسالت اصلی را در این حوزه به‌عهده دارند. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های حوزه‌های علمیه، تحقیق پیرامون حوزه‌های ناکاویده دینی و پاسخ به شبهاتی است که گریبانگیر دین می‌شود و ناگفته پیداست که تحقیق و پژوهش هنگامی راهگشاست که ناظر به مشکلات و مسایل روز باشد. هرچند فعالیت‌های علمی بسیاری پیرامون جریان‌های سلفی و تکفیری در حوزه‌های علمیه انجام شده است، لکن از نظر علمی توفیق چندانی حاصل نشده است، بر این اساس تشکیل یک نهضت علمی و انجام کارهای پژوهشی در زمینه جریان‌های تکفیری ضروری است. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۱: ۲۵۱ - ۲۴۷)

مقام معظم رهبری با توجه به نارسایی‌های موجود علمی در این زمینه معتقدند: «چند وظیفه بزرگ وجود دارد که باید انجام داد ... یکی [تشکیل] یک نهضت علمی و منطقی فراگیر از سوی همه علمای مذاهب اسلامی است برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیری؛ این مخصوص مذهبی دین [دیگر] نیست؛ همه مذاهب اسلامی که دلشان برای

۱. ر.ک: <http://news.irib.ir/articles/item/59023>

۲. ر.ک: صدراله زین العبادی، راهکارهای مقابله با جریان سلفی و تکفیری، موعود، ۲ شهریور ۱۳۹۳:

<http://www.mouood.org/component/k2/item/22718>.

اسلام می‌سوزد، اسلام را قبول دارند و برای اسلام دل می‌سوزانند، در این وظیفه سهیمند، شریکند؛ باید یک حرکت علمی عظیمی انجام بگیرد.» (بیانات در مورخه: ۰۴ / ۰۹ / ۱۳۹۳) مبارزه فکری و فرهنگی با گروه‌ها و جریان‌های تکفیری و سلفی باید گسترش یابد، بلکه باید به فکر خشکاندن اندیشه و تفکر داعشی بود. از این‌رو باید ریشه افکار تکفیری را بیشتر بشناسیم و با دلایل منطقی آنها را پاسخ دهیم. علمای اسلام باید دست در دست هم، ریشه افکار انحرافی جریان‌های تکفیری را بسوزانند و باید با صدای بلند از تکفیر برائت جویند و دامن اسلام را از لوٹ افکار تکفیری‌ها بشویند. بدین ترتیب یکی از راهبردهای مهم در تحقق مقابله علمی با جریان‌های تکفیری می‌تواند در انتقال آثار و محصولات علمی و فرهنگی مربوط به مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری که به زبان‌های مختلف منتشر شده است متمرکز گردد. (مکارم شیرازی، ۰۸ / ۱۱ / ۱۳۹۴)

نتیجه

در این مقاله با استفاده از نظریه بحران توماس اسپریگنز، چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی تحلیل گردید. چالش‌های فرهنگی که از سوی این جریان‌ها علیه گفتمان انقلاب اسلامی وجود دارد، شامل مواردی همچون: تضعیف بسترهای گفت‌وگوی منطقی، شبهه افکنی و تردید در اعتقادات، تخریب آثار تمدن اسلامی، تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی و ... می‌شود.

به تناسب چالش‌هایی که از سوی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی مطرح شد، راهکارهای لازم جهت مقابله با این چالش‌ها نیز ارائه گردید. از آنجایی که جریان‌های تکفیری، بسترهای گفتگوی منطقی را تضعیف نموده، شبهه‌افکنی و تردید در اعتقادات ایجاد نموده و جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی را تضعیف نموده، بایستی جهت مقابله با این تهدیدها، با معرفی کامل جریان‌های تکفیری و آگاهی‌بخشی نسبت به خطرات آن، به تبیین و ترویج اسلام رحمت پرداخته و از طریق دیپلماسی فرهنگی و تقویت دیپلماسی رسانه‌ای، تلاش‌هایی در جهت تقرب مذاهب اسلامی صورت گیرد. بر این اساس از نظر فرهنگی راهکارهایی از جمله: تبیین صحیح گفتمان عقلانی انقلاب اسلامی، آگاهی‌بخشی نسبت به جریان‌های تکفیری و خطرات آن، تبیین و ترویج اسلام رحمت و ناب، تقویت دیپلماسی فرهنگی، تقرب و گفتگو در سطح مذاهب اسلامی، تقویت دیپلماسی رسانه‌ای در راستای آگاهی‌بخشی معرفتی و تشکیل نهضت علمی جهت مقابله با جریان‌های تکفیری قابل شناسایی می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. اسپریگنز، توماس، ۱۳۸۹، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، نشر آگاه.
۲. اسماعیلی، محمد، ۱۳۸۸، *دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر صدا و سیما*، جام جم.
۳. امین‌زاده، جمشید، ۱۳۹۳، *جهان اسلام، ضرورت مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری*، ۱۲ آذر ۱۳۹۳، به آدرس اینترنتی: <http://news.irib.ir/articles/item/59023>
۴. پورسعید، فرزاد، ۱۳۸۵، «ترویسیم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۳۴.
۵. حسینی‌زاده، سید محمدعلی، ۱۳۸۶، *اسلام سیاسی ایران*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات در دیدار با میهمانان شرکت‌کننده در «کنگره جهانی جریان‌های تکفیری از دیدگاه علمای اسلامی»*، ۹۳/۹/۴.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات در دیدار جمعی از قاریان، استادان و حافظان قرآن کریم*، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات در دیدار جمعی از قاریان*، شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۹/۲۱.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی*، ۱۴ / ۳ / ۱۳۹۳.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، *در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات*، ۱۳۹۲/۲/۱۶.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، *حدیث ولایت (متن کامل بیانات، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای معظم له از شه‌ریور ۱۳۶۶ تا آبان ۱۳۸۹ شمسی)*، مرکز کامپیوتر نور.

۱۲. خیریه، بهروز، ۱۳۹۳، «نقش گروه‌های تکفیری در تغییر نقشه منطقه»، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم، دارالاعلام لمدرسة اهل البيت علیهم‌السلام.
۱۳. دانشیار، علیرضا، زمستان ۱۳۹۳، «چالش‌های جریان‌های افراطی و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین، شماره ۹.
۱۴. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۳، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۱۵. زین‌العابدی، صدراله، ۲ شهریور ۱۳۹۳، «راهکارهای مقابله با جریان سلفی و تکفیری»، موعود، به آدرس اینترنتی: <http://www.mouood.org/component/k2/item/22718>
۱۶. سبحانی، جعفر، سخنرانی در مراسم اختتامیه کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴.
۱۷. ستوده، علی اصغر و جعفر خزایی، زمستان ۱۳۹۳، «آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه»، فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین، شماره ۹.
۱۸. سیدباقری، سید کاظم؛ حسنی، محمد و بتول ملاشفیعی، ۱۳۹۳، «آثار سیاسی - اجتماعی جریان‌های تکفیری بر عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی»، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۶، دارالاعلام لمدرسة اهل البيت علیهم‌السلام.
۱۹. سیدنژاد، سیدباقر، بهار ۱۳۸۹، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی، شماره ۴۷.
۲۰. شیخ حسینی، مختار و محمدجواد خلیلی، ۱۳۹۳، «نقش قدرت‌های بین‌المللی در رشد و گسترش جریان‌های تکفیری و پیامدهای آن بر جهان اسلام»، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۲.
۲۱. عزیززاده موسوی، سید مهدی، نقد و بررسی تأثیرات سلفی‌گری بر بیداری اسلامی در راه‌کارهای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه باقرالعلوم علیهم‌السلام.
۲۲. عموری، عبدالحسین و مهدی جاودانی مقدم، ۱۳۹۳، «بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نوسلفی‌گری در خاورمیانه و الزامات دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، انتشارات المصطفی.
۲۳. کاظمی، سید آصف، ۱۳۹۳، «بازتاب‌های سیاسی گفتمان تکفیر»، مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، انتشارات المصطفی.
۲۴. لک‌زایی، نجف، ۱۳۹۴، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، بوستان کتاب.
۲۵. مرتضی باقر، اسامه، ۱۳۹۳، «متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی و علل داخلی ورود داعش به عراق»، ترجمه میثم صفری، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۴.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۸ بهمن ۱۳۹۴، بیانات در کنگره بین‌المللی «خطر جریان‌های تکفیری در دنیای امروز؛ مسئولیت علمای جهان اسلام».
۲۷. ملکو تیان، مصطفی و محمد حقی، پاییز ۱۳۹۶، «چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۴۰.
۲۸. منصور، خلیل، ۱۴ بهمن ۱۳۹۴، «ریشه‌های قرآنی گفتمان انقلاب اسلامی»، کیهان، کد خبر: ۶۷۴۷۱.
۲۹. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی، ۱۳۹۲، چالش‌های وهابیت؛ ایران، جهان اسلام و غرب، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیهم‌السلام.
۳۰. همفر، ۱۳۸۶، خاطرات مستر همفر، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، اساطیر.